

سوسیالیسم، حزب و قدرت سیاسی

در مورد استراتژی حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست

مصوب کنفرانس اول کادرها
صفحه ۲

کمونیست ۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۲ - ۲۰ شهریور ۱۳۸۳ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود
www.komonist.com



fateh_sh@yahoo.com

آدم ربایی در عراق

و حجاب اسلامی در فرانسه

فاتح شیخ

خواهد کشت.
تروریستها این بار نه به
بهانه اشغال عراق

اخطار کرد که اگر دولت
فرانسه قانون منع
حجاب در مدارس را لغو
نکند این دو شهروند را

یک باند تروریست
اسلامی در عراق با
ربودن و گروگان گرفتن
دو خبرنگار فرانسوی

بقیه در صفحه ۱۱

در مورد مبانی سازمانی

حزب سیاسی

مصوب کنفرانس اول کادرها

تبدیل حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به یک
حزب سیاسی، توده ای و مدرن یک ضرورت تاریخی
در سیر پیشرفت کمونیسم کارگری است. چنین
حزبی یک ابزار حیاتی در سرنگونی جمهوری
اسلامی، تصرف قدرت سیاسی توسط حزب و سازمان
دادن انقلاب سوسیالیستی است. حزب ما باید انجام
این جهش تاریخی در تحزب جنبش کمونیسم
کارگری را تضمین کند.

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست ضمن تاکید بر این ضرورت، ایجاد یک
حزب سیاسی وسیع که اتحاد در اهداف اجتماعی
اعلام شده در برنامه حزب مبنای وحدت آن است را
اولویت کار کمیته مرکزی حزب میدانند. حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست بیشترین فرجه برای
طرح نظرات مختلف و متعدد در چهارچوب عمومی
جنبش کمونیست کارگری و در همان حال وحدت
اراده و عمل یک پارچه حزب در اجرای متحدانه
سیاست های مصوب ارگانهای حزب را تضمین میکند



mostafa.assadpoor@telia.com

مدرسه مرگ!

آخرین هدیه جنبش اسلامی

مصطفی رشیدی

بجا مانده از انفجار
بمبها و نارنجکها، جهنم
دو روزه گروگانگیری را
در مقابل ناظرین بهت
زده به تصویر
میکشیدند. کور خوانده
بود در میان ما اگر
کسی فکر میکرد در
فرای هر چه سیاهی، به
بقیه در صفحه ۱۰

روز دوشنبه با
خاموشی آتش و
انفجارها، ساختمان
تخلیه شده به روی
عموم بازگشوده شد.
در مخروبه ای که زمانی
مدرسه شهر بود،
دیوارهای مملو از آثار
گلوله ها، سقف
فرورخته و حفره های

بدنبال یک فاجعه باور
نکردنی نام شهرک
بسلان در جنوب روسیه
و مدرسه آن شهر به
نامی آشنا در سراسر
دنیا تبدیل گردید.
درامایی که فقط دو روز
بطول انجامید اما
عواقب دهشتناکی را به
همراه داشت.

اطلاعیه پایانی

کنفرانس اول کادرهای

صفحه ۹

دنیا را بجنبانیم!

سخنرانی افتتاحیه در کنفرانس اول

کادرها

صفحه ۲

کورش مدرسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سوسیالیسم، حزب و قدرت سیاسی

در مورد استراتژی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مصوب کنفرانس اول کادرها

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تزه‌های "حزب و قدرت سیاسی" مطرح شده از جانب منصور حکمت، که از جمله در مباحث کنگره های دوم و سوم حزب کمونیست کارگری ایران و در مقاله "حزب و جامعه" مطرح شده اند، را مبنای استراتژی خود قرار میدهد. بر این مبنا اعلام میکند که:

۱- هدف فوری و بلاواسطه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تصرف قدرت سیاسی، اعلام حکومت سوسیالیستی و سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است. لازمه این امر سرنگونی جمهوری اسلامی.

۲- انقلا ب سوسیالیستی با کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر آغاز میشود. اما کسب قدرت توسط طبقه کارگر در تصرف قدرت سیاسی توسط حزب کمونیستی آن معنی پیدا میکند. طبقه کارگر از طریق حزب سیاسی خود به قدرت میرسد.

۳- طرفدار انقلاب سوسیالیستی هستیم،

برای انجام فوری آن مبارزه میکنیم. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تلاش میکند که بجای جمهوری اسلامی خود بقدرت برسد. قدرت گیری این حزب با اعلام کلیه مفاد مندرج در برنامه حزب و بیانیه حقوق جهانشمول انسان، بعنوان حقوق مردم، توأم خواهد بود و وسیعترین آزادی های سیاسی و اجتماعی را تضمین خواهد کرد.

۴- تحکیم رابطه حزب با مردم یعنی تبدیل شدن حزب به پرچم "نه" مردم به جمهوری اسلامی، جلب وسیعترین بخش مردم و طبقه کارگر به زیر پرچم حزب و متشکل کردن آنها، تغییر تناسب قوا، تبدیل شدن به شبکه به هم بافتن مردم از طریق رهبران و فعالین کمونیست، و بالاخره تبدیل کردن حزب به شبکه ای که در مقابل جمهوری اسلامی قدرت مردم را به میدان میکشد وظیفه حیاتی امروز حزب است.

۵- ما نماینده اکثریت مردم هستیم و تلاش میکنیم که اکثریت

وسیع مردم را بگرد حزب متحد کنیم. اما در همان حال معتقدیم که پیش شرط بسیج اکثریت مردم و طبقه کارگر به گرد پرچم حزب، تصرف قدرت سیاسی است. بورژوازی که ضدیت با کمونیسم را به یک هنر ارتقا داده، نه تنها امکان کسب قدرت از طریق انتخابات را برای کمونیست ها منتفی میکند بلکه هر نوع امید دوختن به تبدیل شدن به اکثریت قبل از خارج کردن قدرت دولتی از دست بورژوازی را به یک توهم مهلک برای انقلاب کارگری بدل کرده است.

۶- کمونیسم کارگری باید با تبدیل خود به یک نیروی واقعی و مادی در جامعه و بویژه در طبقه کارگر، با تداعی کردن خود با مسائل گرهی جامعه، با خیز برداشتن به سوی قدرت و سازمان دهی قیام کمونیستی در بطن یک تلاطم انقلابی، راسا قدرت سیاسی را تصرف کند و از این طریق جامعه و طبقه را آنچنان پلاریزه کند که کل طبقه و بخش اعظم جامعه را بسیج نماید.

۷- حاصل مستقیم قیام پیروزمند و تصرف قدرت سیاسی توسط کمونیسم کارگری، اعلام فوری جمهوری سوسیالیستی و سازمان دادن دولت، دولت حزب کمونیست کارگری، بر مبنای اعلام مفاد مطالبات برنامه حزب و بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان قوانین حاکم است. این دولت، دولت سوسیالیستی است که دامن زدن به جنبش شورائی و استقرار دولت بر ارگانهای انتخابی شورائی را وظیفه فوری خود میداند.

۸- حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تمام تئوریهایی که قدرت گیری حزب و سازماندهی کسب قدرت توسط آن را خلاف قدرت گیری طبقه کارگر میدانند، بشدت برای کمونیسم و طبقه کارگر مضر میداند. سازماندهی قیام کمونیستی و تشکیل حکومت کارگری توسط حزب تنها روش ممکن، محتمل و عملی قدرت گیری طبقه کارگر و پیروزی سوسیالیسم در جدال قدرت است.

۹- حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در هر حال تلاش خواهد کرد که در کنار سازمان دادن شکل های مختلف توده ای، خود بعنوان یک نیروی قدرتمند مردم را متشکل کند و در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران عروج کند.

۱۰- حزب فعالانه در هر تحول انقلابی دیگر در جامعه شرکت میکند و تلاش خواهد نمود که مانع از هم پاشیدن بنیادهای زندگی مدنی توسط جریانات سناریو سیاهی از یک طرف و بیرون راندن مردم از صحنه سیاست توسط دولت ها و نیروهای بورژوازی از طرف دیگر شود. ما با اتخاذ تاکتیک متناسب بهترین و سریعترین راه برای تبدیل هر جنبش انقلابی به تخته پرش رساندن حزب و طبقه کارگر به قدرت استفاده خواهیم نمود. قدرت گیری حزب مطمئن ترین تضمین برای جلوگیری از تحقق سناریو سیاه و از هم پاشیدگی اوضاع جامعه است.

دنیا را بجنابانیم!

سخنرانی افتتاحیه

در کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کوروش مدرسی



koorosh@ukonline.co.uk

برنده ندارد. تنها وقتی که دنیای تان دنیای کوچک فرقه تان باشد، آنوقت از تهییج ایدئولوژیک خود نشئه میشوید، فکر میکنید که قوی شده اید! جمع میشوید، هورا میکشید، دنیای تان به خودتان محدود است. این متاسفانه دنیای رفقای مخالف ما در حزب کمونیست کارگری بود و هست.

کمونیسم کارگری لطمه خورد. امروز بورژوازی، ناسیونالیست ها، سلطنت طلبان، بورژوازی دست راستی، همه مخالفین کمونیسم کارگری تقویت شدند. همه اینها امروز بر میگردند و به جامعه میگویند دیدید که کمونیسم کارگری هم درست از همان نوع چپ است که ادعا میکرد نیست؟ چپی که نقطه رجوعش خودش و مناسک سازمانی خودش است؟ چپی که دنیای بیرون برایش جای مهمی ندارد. فرقه های ایدئولوژیکی که متوجه نمیشوند که مسائل مهمتری از مشغله های دنیاهای کوچک ذهنی آنها وجود دارد. دنیای ایدئولوژیک و نیمه مذهبی که در آن تنها

امیدشان به ما کم میشود و یا آنرا از دست میدهند. اینجا منفعت و دنیای کوچک فرقه ای، منفعت و دنیای بزرگ جامعه را فدا میکند. این درست آن نکته ای است که تفکر چپ حاشیه ای و ایدئولوژیک نفهمیده است و به همین دلیل هیچوقت اجتماعی هم نشد. اینها ممکن است معروف شوند، اما اجتماعی نمیشوند و محل گره خوردن امید و حرکت انسانها نمیتواند بشوند.

اگر جامعه و نه منفعت این یا آن فرقه نقطه رجوع تان باشد، متوجه میشوید که ادامه جدالی که در حزب کمونیست کارگری براه افتاد و ادامه روشی که امروز این حزب در رادیو و تلویزیون و رسانه های دیگر بکار میگیرد و در آن رسماً تحریف نظرات، تحریف تاریخ، ترور شخصیت و شیطان سازی منبا قرار دارد، کل جریان ما زبان میبندد. چنین جدالی

وجود دارد. پاسخی کاملاً قبل لمس و فهم. نقطه رجوع کمونیست کارگری برای ما جامعه است. به تبلیغات طرف مقابل نگاه کنید متوجه منظور من میشوید. رفقای سابق ما هنوز که هنوز است متوجه نیستند که وقتی که این گونه علیه ما لجن پراکنی میکنند، تحریف و ترور شخصیت میکنند، صف بزرگی از کمونیستهای این جامعه را، که آنها را تا دیروز بعنوان رهبران خود و رهبران جامعه معرفی میکردند، یک شبه "مرتد" اعلام میکنند و به آنها مهر "راست" و "طرفدار حجابیان" میزنند تنها جمع های بسته فرقه ای را میتوانند قانع کنند. عقل سلیم این تصویر کاذب را قبول نمیکند. در نتیجه جامعه به همه ما و به کمونیسم کارگری باورش را از دست میدهد. جامعه از چپ دور میشود و راست واقعی در جامعه تقویت میگردد. مردم

ایران - حکمتیست احساسی دوگانه داریم. از یک طرف از جدالی بیرون آمده ایم که زخم های زیادی را بر همه ما و بویژه بر بدنه جنبش کمونیستی کارگری بجای گذاشت. جدالی که در آن کمونیسم کارگری لطمات جدی خورد. از طرف دیگر اما ما به یک نیاز تاریخی جواب دادیم. این یکی از تند پیچ هائی بود که در مقابل جریان ما قرار گرفت. ما راه و امکان دخالت کمونیستی کارگری در سیاست، در زندگی جامعه ایران و آینده انسانی که چشم امید به جریان ما دوخته اند را باز نگاه داشتیم. امیدی و امکانی را آفریدیم.

از ما میپرسند تفاوتتان چیست؟ چرا از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شدید؟ میتوانیم در پاسخ ابعاد نظری این جدائی را مفصلاً تشریح کنیم و در این کنفرانس در باره آن صحبت خواهیم کرد. اما یک پاسخ ساده

رفقا! باردیگر به شما خوش آمد میگوییم. این کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است که عملاً باید نقش کنگره موسس آن را ایفا کند. کادرهائی که امروز در اینجا جمع شده اند تنها بخش کوچکی از طیف وسیع کادرهای این حزب در ایران و یا حتی در خارج کشور هستند.

هدف ما از این گردهمائی این است که روشن کنیم این حزب کجا میخواهد برود؟ مصافهائی که با آن روبرو است کدام اند؟ انتخاب هائی که در مقابل خود دارد چیست؟ و در این رابطه چشم اندازی که در مقابل حزب ما قرار گرفته است را ترسیم کنیم. به این معنی برای ما این یک کنفرانس تاریخی است.

فکر میکنم همه ما از ایجاد حزب کمونیست

یک ذهنیت شیر یا خطی حاکم است و انسانها به خوب و بد و مومن و کافر تقسیم میشوند و این صف بهشتیان و دوزخیان را عقاید جدا میکند و آدم با یک اشهد یا یک کفر از یک صف به صف مقابل میرود. آدم ها یک شبه در این سیستم نیمه مذهبی کافر میشوند که باید طرد شوند. مبارزه سیاسی جایش را به براز انزجار کردن یا تبری جستن از یک طرف و مدح یا بیعت با طرف دیگر میدهد.

اگر از من بپرسند اختلاف چیست، قبل از هر چیز به این واقعیت اشاره میکنم. واقعیت تفاوت میان یک سنت اجتماعی و یک سنت فرقه ای. ابعاد نظری این تفاوت را در این کنفرانس مورد بحث قرار خواهیم داد. اما بعد قابل لمس آن همین است که گفتم.

تفات ما با آنچه از حزب کمونیست کارگری باقی مانده است این است تفاوت میان یک سنت سیاسی و فکری است که جامعه نقطه رجوعش است و سنت دیگری که فرقه خودش همه دنیایش را تشکیل میدهد. در نتیجه حتی

این ما هستیم که مجبور میشویم در جامعه منفعت آنها را در مقابل راست حفظ کنیم. خودشان عقلش را ندارند. منظورم از عقل، ذکاوت شخصی نیست. منظورم قدرت تشخیص اجتماعی است. ما به کرات گفته ایم که علاقه نداریم که علی رغم همه اختلافات مان رهبری حزب کمونیست کارگری یا خود این حزب را افشا کنیم یا آنرا در مقابل جامعه بی حیثیت نمائیم. این نه روش ماست و نه کار ما.

ما جمع بحث کافه ای یا قهوهخانه ای نیستیم. ما در یک جدال سیاسی در جامعه درگیر هستیم که زندگی و آینده بسیاری به نتیجه آن گره خورده است آنوقت فهم این واقعیت ساده نباید دشوار باشد که اگر بخواهید دنیا را تغییر دهید سرنوشت نیروی تان در این جنگ مهم میشود. از این زاویه اگر نگاه کنید، کمونیسم کارگری در رویدادهای اخیر حزب کمونیست کارگری لطمه خورد. بخشی از نیرو و مهمتر از آن بخشی از اعتبار سیاسی و باور مردم به خود را از دست داد. موقعیت

جریان ما در جامعه عقب رفت.

کنفرانس باید با چشم باز این واقعیت را ببیند. ما از نقطه عقب تری از کنگره سوم یا چهارم باید شروع کنیم. البته باید به سرعت خودمان را برسانیم. بارها و بارها گفته ایم که کمونیسم ما هیچوقت خود را اسیر تهییج ایدئولوژیک نمیکند. چشم در چشم واقعیت تلخ میدوزد و آن را تغییر میدهد. رهبرانی که امروز در این جلسه نشسته اند نمیتوانند چشم بر واقعیات ببندند، واقعیت و جنگی که به آن مشغولند امکانش را به آنها نمیدهد. وقتی که رفقای مخالف ما اعلام میکنند که در دعوای داخلی حزب کمونیست کارگری، این حزب تقویت شد تنها دارند به یک "غسل تعمید" ایدئولوژیک فکر میکنند و نه به یک نیروی واقعی حاضر در صحنه.

حزب کمونیست کارگری جایی بود که امید بخش زیادی از انسانها به آن گره خورده بود. کسان زیادی بعکس بخشی از رهبری آن وقتی اخبار حزب کمونیست کارگری را می شنیدند

گریه میکردند. کمر امیدشان شکست. انسانهای زیادی امیدشان را به این بسته بودند که کسانی هستند که در دنیای واقعی برای دنیای بهتر منصور حکمت جنگ میکنند. انسانهای زیادی که دیدند که علی رغم همه اختلافات حزب کمونیست کارگری ۱۸ تیر و ۱۶ آبان و ۸ مارس سال گذشته را توانست سازمان دهد و امسال نتوانست. مردم زیادی که میدیدند این حزب میتوانست و میبایست متحد بماند اما متحد نماند.

تئوری رفقای ما در حزب کمونیست کارگری در مورد علت تحولات و رویدادهای حزب کمونیست کارگری، صرف نظر از جنبه بسیار سطحی و عامیانه آن، یک نقطه ضعف اساسی دارد. اگر امروز کورش مدرسی تصادف کند و جانش را از دست بدهد کل تئوریهای این رفقا از دست میرود و بی معنی میشود. نمیتوانند توضیح دهند این جمعیت چرا امروز در اینجا جمع شده است؟ اگر کورش مدرسی نماند، دیگر اینکه "عکسش متکبر بود"،

"اخلاقش کمونیستی نبود"، به "سوسیالیسم باور نداشت" و خیلی به ساخت و پاخت با بالا و توافق با حجاریان علاقه داشت اهمیتی ندارد. اینها که اینجا جمع شده اند که به اقرار خود این رهبران حزب کمونیست کارگری "علاقه خاصی" به حجاریان ندارند! اگر کورش مدرسی نباشد این رفقا مجبور میشوند در مورد صورت مساله اختلاف، آنطور که ما مطرح میکنیم، صحبت کنند. سیبل کردن کورش مدرسی امکان میدهد که خودشان را به موضوع مورد اختلاف نزنند. موضوع مورد اختلاف همان طور که ما و همه دنیای سیاسی بیرون دارد داد میزند منصور حکمت است. شما شرمگینانه تئوری ها و خط منصور حکمت را کنار گذاشته اید. این البته نه گناه است و نه جرم. کل قضیه این است که سرتان را بالا بگیرید و حرف آخرتان را اول بزنید.

این رفقا دو سال است که در مورد صورت مساله ما، یعنی اکثریت حزب، خودشان را به ناشنوایی مصلحتی زده اند. میگویند اینها (منظورشان ما هستیم) مبنای سیاسی برای

اتحادشان ندارند چون از نظرات کورش مدرسی دفاع نمیکنند. البته منظورشان از نظرات کورش مدرسی جعلیاتی است که به من نسبت میدهند. متوجه نیستند که مبنای اتحاد ما همان است که این دو سال است که مرتب تکرار میکنیم: منصور حکمت. ما حول نظرات منصور حکمت متحد هستیم و نه نظرات هیچ کس دیگر. رفقای حزب کمونیست کارگری متوجه نیستند که جعلیاتی را به کورش مدرسی نسبت میدهند و بعد نقدش میکنند خاصیت ندارد. حتی اگر نقدشان مردم باور کنند هنوز رهبری حزب کمونیست کارگری در مورد مساله مورد اختلاف اکثریت این حزب با خودش حرفی نزده است. این حتی در میان مدت هم کارساز نیست. این رفقا به مشغله های خودشان مشغولند. نوشته هایشان رساله هائی در باب همین بخود مشغولی ها است و ربطی به واقعیت ندارند. متوجه نیستند که مردم فکر میکنند که جدیتشان در آژیتاسیون علیه جمهوری اسلامی به اندازه جدیتشان در

آژیتاسیونشان علیه ما است. و به این نتیجه میرسند که هم در مورد ما و هم در مورد جمهوری اسلامی انشا مینویسند. به هر حال این حزب در باره خط منصور حکمت است، این اجتماع در مورد خط منصور حکمت است و اسم ما حکمتیست است. دیر یا زود این را خواهند پذیرفت. جامعه این را به آنها خواهد پذیراند. اختلاف بر سر چیست؟ چرا ما از هم جدا شدیم؟ دلایل در اساس ساده است.

اول اینکه کمونیسم کارگری بدون اما و اگر باید قدرت را بگیرد. این جریان برای اکثریت شدن تلاش میکند اما منتظر اکثریت شدن نمیماند. هروقت بتواند قدرت را بگیرد. استراتژی ما بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت است. گرفتن قدرت بعد از کسب اکثریت تئوری نمیخواهد. استراتژی هر وقت اکثریت شدیم قدرت را میگیریم نه به مارکسیسم احتیاج دارد نه به لینین و نه به منصور حکمت. چنین استراتژی به یک حزب بزرگ، قوی و منضبط هم احتیاجی ندارد.

دوم اینکه ما میخواهیم یک حزب کمونیستی توده ای بسازیم. برای گرفتن قدرت، برای داشتن قدرت و برای اینکه در جامعه نیروئی باشیم که بتوانیم اصولاً قدرت را بگیریم، مردم را به میدان بیاوریم و در میدان نگاه داریم احتیاج به یک حزب وسیع کمونیستی کارگری داریم که هر کس که برای بهتر کردن زندگی، برای آزادی، برای رهائی و برابری، در هر بعدی از آن مبارزه میکند بتواند به این حزب بپیوندد و این حزب بتواند دستش را در دست دیگری که مبارزه میکنند بگذارد. ما حزب کمونیستی را میخواهیم که بتواند میلیونها نفر را در خود متشکل کند.

رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری این را درک نمیکنند. در استراتژیهایشان نه به چنین حزبی احتیاج دارند و نه میتوانند آن را به تصور در آورند. ما حزبی هستیم که انسان و جامعه نقطه رجوع ماست. در نتیجه باید در مقابل پاشیدن شیرازه زندگی مدنی، در مقابل تحقق سناریو سیاه به ایستیم و به نقشه و تاکتیک احتیاج داریم. باید راه ممانعت

از پاشیدن مدنیت را در مقابل جامعه قرار دهیم، باید زورش را داشته باشیم که نیروهای سناریو سیاه را پاک کنیم. کسی که این را درک نمیکند اصولاً به چنین تاکتیکی احتیاج ندارد. رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری وقتی بحث ما را تحریف میکند و انگ "راست" به آن میزند، چیز تازه ای نگفته است. پا جای پای چپ سنتی میگذارد. کل چپ سنتی متوجه این معضل اجتماعی نشد و همه تقریباً با هم منصور حکمت و ما را "راست" اعلام نمودند.

چپ سنتی علیه بحث "حزب و قدرت سیاسی"، علیه بحث "حزب سیاسی" و توده ای و علیه بحث "سناریو سیاه و سفید" منصور حکمت بسیج شد و به ما و به منصور حکمت بعنوان "راست"، آوانتورریست، بلانکیست، طرفدار کودتا و غیره حمله کرد و تلاش کرد با راه انداختن داد و قال خود را به نشیندن بزند و مانع بهم خوردن دنیای محدود لفاظی های "انقلابی" خود شود. رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری با بحث "حزب و انقلاب"

شان دقیقاً همین کار را کردند. گویا چون انقلابی در کار است، احتیاجی به بحث "حزب و قدرت سیاسی" نیست، پس برمیگردیم به زمین آشنای انقلابی چپ تاکنونی، گویا چون انقلابی در راه است جامعه در خطر پاشیدگی زندگی مدنی نیست، پس باید بحث "سناریو سیاه و سفید" را کنار گذاشت موضوعیت ندارد، گویا چون جامعه در یک تلاطم انقلابی است یک "حزب سیاسی" بزرگ و توده ای لازم نیست خود تشکل های توده ای نظیر شورا و غیره خودشان سر بر می آورند. تزهائی "حزب و انقلاب" مطرح شده توسط رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری خاصیتش، کنار زدن خط منصور حکمت بود و هست. تزهائی را که در دوره خود منصور حکمت نتوانستند انجام دهند در غیاب او تلاش کردند که غالب کنند. امروز نگاه کنید چه تفاوت جدی بین حزب کمونیست کارگری ایران و مثلاً حزب کمونیست ایران، یا سوسیالیست های جوان وجود دارد؟ عملاً هیچ. حزب کمونیست

کارگری ایران کل تئوری های منصور حکمت بعد از شروع تحركات سياسى در ايران، يعنى از مقطع كنگره دوم حزب كمونيست كارگرى، را کنار گذاشته است. تا وقتى در باره دمكراسى، ماركسيسم و جهان امروز و غيره بحث ميكرديم و تا وقتى كه مشغول تيز كردن شمشيرهايمان بوديم، كمابيش همه باهم كار ميكرديم. اما وقتى كه خود جنگ شروع شد، وقتى كه لازم شد با شمشيرهاى تيزشده به ميدان برويم و جنگمان را بكنيم، درست وقتى كه قرار شد شنا كنيم رفقا ما يادشان آمد كه ما بوهائشان را همراه نياورده اند. تئورى "حزب و انقلاب" تئورى اين است كه اصلا احتياجى به شنا كردن نيست بايد منتظر ماند تا آب خودش خشك شود و شنا منتفى شود. قدرت خودش در دامن ما مى افتد اگر صبر كنيم تا انقلاب خودش از راه برسد.

اين كنه اختلاف است. حكمتيستم يعنى دخالت در تغيير واقعيت، يعنى منتظر فرصت نماندن و فرصت ها را ايجاد كردن و نه تفسير و

مدح واقعيت. حكمتيستم يعنى نارضايتى دائم از واقعيت و تلاش دائم براى تغيير آن. حكمتيستم، لنينيستم بسيار آگاه تر و فورموله تر است. خطى است كه امكان را مي بيند، آن امكان را متحقق ميكند و دنيا را تغيير ميدهد.

كسى كه تمام تئوريش اين است كه بايد معطل بود كه اتفاقى بنام انقلاب بيفتد و خود اين اتفاق هم تازه قانون خودش را دارد و دست من و شما نيست، هر چه كه هست نه ماركسيست است، نه لنينيست است و نه حكمتيست. "فرجى" است. منتظر است فرجى بشود، سياست انتظار را دارد. هزار جست و خيز و آكسيون هم كه بكنند پاسيو است چون دنيا را تغيير نميدهد. اين روش دترمينيستي است.

كسانى كه امروز دور خط حكمتيست جمع شده اند پيش از هر چيز عليه پاسيفيستم حزب كمونيست كارگرى بسيج شده اند. پاسيفيستم يعنى خطى كه نميتواند و خيال ندارد واقعيت را تغيير دهد. واقعيت را توضيح ميدهد. خط منصور حكمت، لنينيستم، و

تزهائى فوئرباخ و خط ايدئولوژى آلمانى مقابله با همين پاسيفيستم است. هسته گفته ماركس كه "فلاسفه تاكنون دنيا را تفسير کرده اند، بحث بر سر تغيير آن است" همين است. با اين متد است كه جاى بحث "حزب و قدرت سياسى"، "سناريو سياه و سفيد" معلوم ميشود و يا حزب سياسى توده اى جايش را پيدا ميكند. همه اينها ابزارهاى تغيير دنيا هستند. روش طرف در غياب اين متد به ناچار به انشا نويسى در باب انقلاب و كارگر و غيره تقليل پيدا ميكند كه کرده است. اگر متد ماركس، لنين و حكمت را داشته باشيد تازه بحث حزب و قدرت سياسى در ايران، عراق، بریتانیا یا آمریکا و غيره معنى پيدا ميكند و كاربستش را متوجه ميشويد. اين بحث مربوط به جوامع مختنق يا شرايط انقلابى نيست. بحث دخالت در سياست براى تغيير جهان است و ركن اساسى اين دخالت قدرت است. و حزب ما حزب تغيير واقعيت است، حزب دخالت است، حزب منتظر نماندن است و حزبى

است كه انسان و جامعه نقطه رجوعش است. اما عليرغم همه اين اختلافات حزب كمونيست كارگرى ايران ميتوانست يك پارچه بماند. عليرغم اين اختلافات دوازده سال متحد ماند. طى دو سال گذشته ما منصور حكمت را از دست داديم اما تمام تلاشمان را كرديم كه حزب را حول همان سياست كمونيستى دخالت گر متحد نگاه داريم. اين حزب ميتوانست و ميبايست متحد و يك پارچه بماند. به اين موضوع در بحث "از حزب كمونيست كارگرى تا حزب كمونيست كارگرى - حكمتيست" برميگرديم و نشان ميدهيم كه اين اختلاف از روز اول ايجاد حزب كمونيست كارگرى ايران وجود داشته و در همان حال اين حزب كار ميكرد. در دوسال گذشته اين اختلافات حاد تر از امروز وجود داشته است. تمام تحريفاتى كه به من نسبت ميدهند مربوط به دو سال قبل است. در دو سال گذشته ما كمكان توانستيم در کنار هم بمانيم و حزب فعال بود و نقطه اميد بسيارى شد. اين اختلافات

ناگهاني و يك روزه ايجاد نشدند، كسى به عقايدش پشت نكرد، عقايدش را تغيير نداد است و "كافر" نشد است. اين كشمكش را ده سال پيش هم ميتوانيد ببينيد، جزو ديناميستم درونى حركت ماست. همه ما داريم حرف هميشگى مان را ميزنيم. بحث ما اين است كه اين حزب توانست کنار هم بماند چون جامعه و سياست نقطه رجوعش بود و نه ايدئولوژى و فرقه گرائى. اين حزب ميتوانست كمكان کنار هم بماند اگر همان نقطه رجوع را حفظ ميكرد. اگر كل حزب ميدانست كه بايد اجتماعى بماند، بايد با همه نيرو به جنگ دنياى بيرون برود.

اگر تصوير ما اين باشد كه اين حزب بايد مثلاً يك حزب ده مليونى بشود، آنوقت لابد متوجه ميشويم كه وحدت چنين حزبى بر اساس ايدئولوژى ممكن نيست. بايد يك حزب سياسى باشيم، بايد حزبى باشيم كه در آن جا براى هزاران تئوريسين و صد ها هزار رهبر سياسى وجود دارد. تئوريسين ها و رهبرانى كه هيچ يك قائد يا رهبر

عقیدتی دیگری نیست. چنین حزبی با مکانیسم های کنونی چپ قابل بوجود آوردن نیست. حزب ملیونی و توده ای تنها در چارچوب یک جنبش قابل تحقق است. اصول سازمانی ما نمونه ای از تعریف وسیع و جنبشی را بدست داده است: "اشتراک در اهداف عمومی برنامه". همین! اصول سازمانی ما حتی پذیرش برنامه را شرط عضویت در حزب اعلام نکرده و ما در دروره تدوین اصول سازمانی بر سر این مساله کلی بحث و جدل داشتیم. با چنین اصول سازمانی و با چنین رویکرد سیاسی است که میتوان یک حزب ده ملیونی ایجاد کند.

واقعیت این است که این خط تا کنگره چهارم بر حزب کمونیست کارگری تسلط داشت و در نتیجه علی رغم اختلافات حزب را فعال نگاه داشت. بعد از کنگره چهارم، رهبری جدید ناتوان از تحلیل سیاسی و ناتوان از ایجاد یک اتحاد سیاسی در حزب، حزب کمونیست کارگری را به سمت انفعال سوق داد. بحث من اکتیویسم یا پاسیفیسم در پراتیک

یک فرد یا یک جمع نیست. بحث پراتیک کل حزب است. واقعیت این است که بعد از کنگره چهارم یک خط جایش را به خط دیگری داد. بازی همان بازی بود، بازیکنان همان بازیکنان اما قواعد بازی تغییر کرد.

ما تلاش کردیم حزب متحد بماند. هر دری را زدیم و هر سنگی را برگرداندیم تا امکانی را برای متحد نگاه داشتن حزب از دست ندهیم. پلنوم ۱۶ که بحث تعیین لیدر مطرح شد، علیرغم اینکه نقطه رجوع رفقا در مخالفت با این بحث عمیقاً اخلاقی و فرقه ای بود، گفتیم منتظر میمانیم تا رفقا قانع شوند. پلنوم ۱۷ همین کار را کردیم، تغییر نظر رفقا را به عنوان نقطه قدرت شان اعلام کردیم. بعداً لیدری حزب و ریاست دفتر سیاسی را به آنها واگذار کردیم تا فضا آرام شود و بتوانیم بحث سیاسیمان را بکنیم. بارها و بارها گفتیم که بار این حزب "شیشه" است و شکستنی است. حفظ این حزب در

جامعه معنی دارد و باید برای آن تلاش کرد. حزب متعلق به من یا کس دیگری نیست حزبی است که جامعه و امیدها و آرزوها به آن گره خورده است باید با مسئولیت با آن رفتار کرد. با اینکه رفقا قول داده بودند که کنگره چهارم را محل رفع و رجوع یا حل هیچ اختلافی نمیکند و درست عکس آن عمل کردند، بازهم نامه مشترک را با آنها نوشتیم. وقتی دوباره زیر نامه مشترک زدند بازهم گفتیم در پلنوم حاضر شوید و با اینکه در کمیته مرکزی اقلیت هستید چیزی که شما با آن موافق نباشید را تصویب نمیکنیم. بیائید راهی برای این معضل پیدا کنیم. مشکل حزب کمونیست کارگری راه حل تشکیلاتی ندارد باید راه سیاسی برای آن یافت. ما قصد تصفیه ایدئولوژیک تا حذف تشکیلاتی کسی را نداریم. اگر هم به لحاظ رای این کار عملی باشد از نظر اجتماعی قابل قبول نیست. جامعه همه ما را صاحب حزب میدانند. در نتیجه ما دنبال کنار گذاشتن رفقای مخالف نبودیم. این تاکتیک و سازش نیست و از نا مناسب بودن تناسب قوا ناشی نمیشود، بینش ما، خط و تئوری ما این است. بیائید راه سیاسی و متمدنانه با هم بودن را پیدا کنیم. در مقابل رفقا شیوه هائی را بکار بردند که هیچ مجالی برای کار مشترک را باقی نگذاشتند. گفتند سلسله مراتب تشکیلاتی را قبول ندارند، "پلنوم را دور میزنند"، از همه موازین تشکیلاتی عدول میکنند، یک جمع من در آوردی را به عنوان کنگره اعلام کردند. انگار نه انگار کنگره مطابق اصول سازمانی مجمع نمایندگان تشکیلاتها است. جمع کسانی است که امکان سفر در آن تاریخ به محل جلسه را دارند که کنگره نیست. در واقع حزب را منحل اعلام کردند.

این روش برخورد و رفتار با حزب روش لنین، مارکس یا منصور حکمت نیست. هیچگاه چنین روشی را بکار نبسته اند. آخرین جائی که این روش ها را در آن بکار بردند انقلاب فرهنگی در چین است.

در جامعه مدرن، در سنت کمونیستی، حزب تنها ابزار دخالت سیاسی ما در دنیای بیرون است. اگر حزب نداشته باشیم هیچ چیز نداریم. اگر قرار باشد شما "پلنوم را دور بزنید، ما هم شما را دور میزنیم، همه همدیگر را دور میزنند و بلبشویی میشود که گویا قرار است در آن یک فرقه پیروز شود.

به این مجمع اختیاری که نام کنگره بر آن گذاشته اند نمیبایست رفت. اولاً این کنگره قانونی نیست. مجمع نمایندگان تشکیلاتها نیست حزب را نمایندگی نمیکند. ثانیاً قرار است به این جلسه برویم و کاری را انجام دهیم که امروز اینها در سایت ها و در رادیو و تلویزیون میکنند؟ سخیف ترین اتهامات را به هم بزنیم؟ زننده ترین دروغ ها و کثیفترین اتهامات را به یک نسل از کمونیست هائی همین امروز بخش بزرگی از جامعه چشم به آنان دوخته است. بزنیم؟. قرار است همدیگر را ترور شخصیت کنیم؟ در مقابل جامعه آبروی هم را ببریم؟



ما گفتیم از چنین مراسمی کمونیسم کارگری پیروز بیرون نمی آید حتی اگر ما اکثریت آرا را بدست آوریم. این مراسم تبدیل حزب کمونیست کارگری به فرقه دیوانگان سیاسی است که بجای جنگ با دشمن دارند همدیگر را لت و پار میکنند. ما بخاطر خودمان، بخاطر کمونیسم کارگری، برای اینکه امکان دخالت در سرنوشت جامعه را حفظ کنیم، نباید در این مراسم شرکت کنیم. رفقای ما حق دارند خود هر مسیری را که مایل هستند انتخاب کنند، ما موظف هستیم که حداکثر نیروی ممکن را از این گرادب بیرون بکشیم و امکان دخالت در سیاست و امکان ایفای نقشی تعیین کننده در تحولات آینده ایران را برای کمونیسم کارگری محفوظ نگاه داریم. بی حیثیت کردن نسلی از کمونیست ها در مقابل جامعه کار ما نیست. در این دعوا شرکت نمیکنیم.

گفتیم یا باید شما را از سمت هایتان برکنار کنیم و یا حزب دیگری درست کنیم. راه اول با توجه به اینکه این رفقا ساده ترین اصول و پرنسیب های تشکیلاتی و قانونی را به رسمیت نمیشناسند و باتوجه به درجه بی مسئولیتی و ماجراجویی که از تاکنون از خود نشان داده اند باید انتظار میداشتیم که دو حزب کمونیست کارگری با یک اسم و یک دنیا دعوا و کشمکش از همان جنسی که اشاره شد، نصیب مان شود. در این میان اسطوره منصور حکمت و همراه آن شانس دخالت ما در تحولات سیاسی آینده ایران دفن میشد. سرنوشت کورش مدرسی، حمید تقوایی یا رحمان حسین زاده در میان نیست. مساله سرنوشت منصور حکمت و همراه آن امید انسانهای زیادی برای ایجاد یک دنیای بهتر است که نابود میشود. مردم رادیو و تلویزیون ما را خاموش میکنند، از ما دست میشوند. ما راهمان را جدا کردیم.

رفقا

ما در این جنگ حدود نیمی از لشکرمان را تلفات دادیم. اما بیش از نیمی از آن را نجات دادیم. بخشی که برای جنگ آماده است. ما نیرویمان کم شد اما در شرایطی هستیم که میتوانیم تازه نفس تر، روشن تر، متحد تر و با شکستن همه قید بندهائی که بزرگ شدن و رزمندگی این حزب را محدود و مشروط میکرد به سرعت این عقب نشینی را جبران کنیم. ما عقب نشستیم تا شانس پیشروی را نگاه داریم.

منصور حکمت در کنگره سوم گفت دریچه فرصتی برای پیروزی کمونیسم کارگری باز است. جدالهای درونی حزب کمونیست کارگری ایران این دریچه را میبست. و ما با جدا کردن راهمان و با ایجاد حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پایمان را لای در درحال بسته شدن گذاشتم و آن را باز نگاه داشتیم. همین. امروز وظیفه ای که بر عهده این کنفرانس

است فقط این نیست که گذشته را جمعبندی کند، باید افق ها را باز کند، باید تغییرات سد شده در حزب کمونیست کارگری ایران را در حزب جدید متحقق کند، باید نیروی عظیمی را با انرژی زیاد به حرکت در آوریم. برای رساندن مجدد خودمان به موقعیت کنگره سوم محتاج یک کار هرکولی هستیم. ما امروز به ده برابر انرژی و ابتکار قبلیمان احتیاج داریم. همه امکانات را گذاشتیم، اسم را جا گذاشتیم، خط و سنت را برداشتیم و اکثریتی را باخودمان همراه کردیم. این قاعدتا سرمایه ای است که با باید بتواند خود را سریعاً برساند.

ما باید در مدت کوتاهی امکان دخالت مان در آینده قدرت در جامعه ایران در سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و در تحقق یک دنیای بهتر را تجدید کنیم. دری که لایش را باز نگاه داشته ایم را باید دوباره کاملاً باز کنیم. این هدف فوری ما باید باشد. این حرکتی است که این

کنفرانس باید پایه ریزی کند. کنفرانس باید به آینده نگاه کند، اسیر دنیای گذشته نشود و از این گذشته عبور کند. این کنفرانس باید کنفرانسی رو به آینده باشد. باید راههای بازگرداندن امید مردم به این حزب جدید و راههای ساختن آینده را هم مورد بحث قرار دهد. این مصاف مهم مقابل ماست.

آیا میتوانیم پیروز شویم؟ جواب من مثبت است. همه ملزومات را داریم. آیا پیروز میشویم؟ این دیگر تماماً بستگی به انرژی، ابتکار و خلاقیت حکمتیستی ما دارد. بستگی به این دارد که به اندازه کافی نیرو جذب میکنیم، پاسخ سوالات مقابل حرکت و حزبمان را درست بدهیم، بسیج کنیم، خط درست داشته باشیم و غیره. اراده ما پیروزی ما را تعیین میکند. باید این اراده را داشت. نفس وجود امکان پیروزی هیجان انگیزترین بخش یک جدال است. ما میتوانیم دنیا را بجنبانیم و باید این کار را بکنیم.

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

اطلاعیه پایانی کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به منظور رسمیت دادن به تاسیس این حزب و سهیم کردن تعداد هرچه وسیعتری از کادرهای آن در خط مشی و سیاستهای حزب در روزهای ۱۴ و ۱۵ شهریور ۱۳۸۳ (۴ و ۵ سپتامبر ۲۰۰۴) در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار گردید.

این کنفرانس علنی بود و علاوه بر کادرهای حزب، اعضا و میهمانان توانستند در آن حضور به هم رسانند. با توجه به محدودیت زمانی در تدارک کنفرانس و امکانات محدود سالن تنها بخش کوچکی از کادرهای حزب توانستند در این کنفرانس شرکت کنند. کنفرانس با حضور ۲۴۰ نفر از کادرها، ناظرین و میهمانان برگزار شد. که از این تعداد ۱۲۰ نفر کادر حزب بودند. رفقا ریووار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری

عراق، امجد غفور رئیس دفتر سیاسی این حزب و همچنین هیئتی از دفتر سیاسی و کمیته مرکزی این حزب در این اجتماع حضور داشتند. در این نشست که در واقع نقش کنگره موسس حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را داشت، مباحث و اسناد مهمی طرح و مورد تبادل نظر و تصمیم گیری قرار گرفتند.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد عزیز منصور حکمت، و قربانیان روزهای اخیر تروریسم اسلامی و آمریکا در روسیه و عراق شروع شد. پس از سخنرانی افتتاحیه توسط کورش مدرسی، کنفرانس کار خود را رسماً با تصویب اعتبارنامه و آیین نامه و تعیین هیئت رئیسه شروع کرد. در اولین دستور جلسه تحت عنوان "از حزب

کمونیست کارگری تا حزب کمونیست کارگری - حکمتیست"، رحمان حسین زاده و کورش مدرسی، بعنوان معرفی کنندگان بحث، فشرده ای از روند اختلافات و تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران را از بدو تشکیل این حزب و بویژه در دوره بعد از منصور حکمت را تشریح کردند. در این قسمت اختلافات اساسی درون حزب و کارکرد سیاسی و تشکیلاتی جریان های مختلف درون حزب و ضرورت ایجاد حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مورد بحث قرار گرفت.

در فاصله میان اولین و دومین دستور سخنرانی ریووار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق انجام شد. طی این سخنرانی ریووار احمد ضمن توضیح مواضع اصولی و کمونیستی حزب کمونیست کارگری عراق در برخورد به

جدالهای دوره گذشته، حمایت و هم سرنوشتی و همبستگی حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را مورد تاکید قرار داد. دستور دوم جلسه بحث حزب سیاسی بود. این بحث توسط ایرج فرزاد و کورش مدرسی معرفی شد و طی آن ضرورت و مبنای تشکیلاتی ایجاد یک حزب کمونیستی سیاسی، توده ای، اجتماعی و مدرن مورد بحث قرار گرفت و در پایان کنفرانس قراری را در این مورد به تصویب رساند.

سومین دستور جلسه تحت عنوان "انقلاب سوسیالیستی، حزب و قدرت سیاسی" توسط محمود قزوبینی و کورش مدرسی معرفی گردید. در این بحث کنفرانس بر تزیهای "حزب و قدرت سیاسی" مطرح شده توسط منصور حکمت در کنگره های دوم و سوم حزب کمونیست کارگری بعنوان مبنای استراتژی حزب تاکید

گذاشت. علاوه ضرورت آمادگی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای ایفای چنین نقشی در تحولات جامعه ایران مورد تاکید قرار گرفت و قطعنامه پیشنهادی به تصویب رسید.

دستور جلسه چهارم "اوضاع سیاسی ایران، و وظایف بلاواسطه ما" بود که توسط مظفر محمدی و فاتح شیخ ارائه شد. در این مبحث روند گسترش اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، سقوط جمهوری اسلامی و وظایفی که حزب باید در دستور قرار دهد مورد بحث قرار گرفت.

کنفرانس در پایان یک کمیته مرکزی ۴۵ نفره را برای رهبری و هدایت حزب انتخاب کرد. اعضای کمیته مرکزی منتخب عبارتند از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، ایرج فرزاد، اسد نودینیان، امان کفا، اسعد کوشا، امجد غفور، اسماعیل

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

ویسی، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، جمال کمانگر، جلال محمودزاده، ثریا شهابی، حسین مرادیگی (حمه سور)، خالد حاج محمدی، حسن قادری، داریوش نیکنام، رحمان حسینزاده، ریبوار احمد، سلام زیجی، سعید قادریان، سعید کرامت، سعید یگانه، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فاتح شیخ، فواد عبدالهی، کورش مدرسی، مهرنوش موسوی، مظفر محمدی، حسینی، محمود قزوینی، محمد فتاحی، مصطفی اسدپور، موید احمد، نسرین جلالی، نسان نودینیان، ناهید ریاضی، نادیه محمود، ناسک احمد، نسیم رهنما، همایون گدازگر، یدی کریمی

کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری با سخنرانی اختتامیه کورش مدرسی در میان شور و شوق حاضرین و با

بقیه از صفحه ۱ اندازه کافی از خشونت و پلیدی و جنایت را دیده، شنیده و تجربه کرده است: مردم بیگناه و بی دفاع غیر نظامی در کوچه و

اتحاد و همدلی سیاسی به کار خود پایان داد. تعدادی از قرار و قطعنامه پیشنهادی که به کنفرانس رسیده بود به دلیل کمبود وقت جهت بررسی به کمیته مرکزی منتخب واگذار گردید. کنفرانس در همه این بحث ها شاهد دخالت فعال و پرشور شرکت کنندگان از جمله میهمانان کنفرانس بود.

این کنفرانس مستقیماً از طریق شبکه اینترنت پخش گردید و اسناد و مباحثات این کنفرانس دو روزه در نشریات حزب و در سایتهای حزب در دسترس عموم قرار خواهند گرفت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ۲۰ شهریور ۱۳۸۳ - (۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴)

خیابان و در صف اتوبوس بجای خود؛ کودکان بطور خاص نیز بخشی از تجربه تاکنونی ما از تروریسم بوده اند: اما مدرسه سلان هنوز به گونه

دیگری بود: مدتها قبل برای این روز نقشه کشیده شده بود: مهمات و اسلحه روی هم تلبار شده بود: تعداد هر چه بیشتری از این موجودات معصوم و خردسال در آن روز معین مطلوبیت نقشه به حساب آمده بود: کودکان، مرگ آنها و نابودیشان، نه حاصل تهدید و نه حاصل تصادف، بلکه جزو ذات نقشه بود: و از همان ثانیه های اول تا به آخر، به همانگونه قابل پیش بینی و طراحی شده وقایع به حقیقت پیوستند:

ابعاد این فاجعه غیر قابل وصف است: لحظات این واقعه توسط صدها میلیون نفر در اقصی نقاط دنیا با نگرانی عمیق، همدردی و دلهره همراهی گشت: وجود بی شماری از انسانهای دنیای نفرین شده ما، به مامن طوفانی از خشم و نفرت و بهت تبدیل گردید:

سونیا، کودک خردسالی از میان قربانیان این گروگانگیری بود: کل پیکر و تابوت حامل آن زیر بغل یکی از بستگانش جای گرفته بود: هرگز معلوم نشد، ترس و یا گلوله ها، کدامیک، ضربه آخر را به او زد: بدون آنکه

بداند و بخواهد، در فاصله ۴۸ ساعت پایان ناپذیر از ترور و وحشت، جان او و همبازیهایش در تقاطع تقابل خطوط سیاسی - عقیدتی مرگباری قرار گرفتند: در یک چشم بهم زدن چهار دیواری مدرسه او به مجرای برای انکشاف پدیده هایی مانند استقلال چچن، اعتقادات دین مبین اسلام، جنگ و ناسیونالیسم روسی و غیره تبدیل گشتند: چهار دیواری یک مدرسه دور افتاده، در پس این واقعه، همه عقده و چرک و کینه و نفرتی که این پدیده ها سالهاست با خود حمل کرده اند را یکجا به نمایش گذاشت و حاصل آنرا به روی انسانیت و مدنیت معاصرش تف کرد: نه او و نه هموعانش هرگز فرصت نیافتند از قساوت نهفته در این عبارات سر در بیاورد: قساوتی که به روی او نشانه رفته بود: از مدتها قبل در کمین او نشسته بود: همزاد او بود: قساوتی که خود او از نزدیک در پس خونسردی، عزم، قهرمانی و باور و اعتقادات گروگانگیرهایش از نزدیک لمس کرد: این را سونیا نتوانست درک

کند: و نه تنها او بلکه صدها هزار کودک گروگان محاصره اقتصادی عراق در حسرت پنسیلین و ششیر خشک، هم نتوانستند بفهمند: کرور کرور نوجوانان لت و پار شده در میدانهای مین جنگ ایران و عراق، در چنگال عفریت خمینی هم از آن باز ماندند: کودک فلسطینی و کودک اسرائیلی هم به همین گونه:

محکوم کردن این گروگانگیری کافی نیست: باید دید که چگونه انسانیت، منش انسانی، پدیده هایی پیش پا افتاده و ابتدایی رحم، کودک و معصومیت، امنیت و وجدان و همزیستی چگونه آسیب پذیرند: ببینیم که چگونه تصاویر مکرر تلوزیونی، ردیف طولانی تابوتهای، نمایش جنون ویرانی و تباهی، هیچ یک مانعی بر رویداد مکرر آنها نیستند: ببینیم که چگونه دریایی از بیزاری و احساسات و همدردی صرف نمیتواند تعرض به انسانیت را مهار کند و لگام بزند: بخاطر بیاوریم که چگونه در تجربه زنده همگی ما، همدردی گسترده

بین المللی علیه تروریسم اسلامی به توجیه گر تروریسمی بمراتب ویرانگر تر در قالب بمب های امریکایی روی کودکان و مدارس افغانی و عراقی تبدیل گشتند و در تکرار تلخ همان سناریو ببینیم که چگونه از همدردی گسترده بین المللی، از شوک روانی، از احساسات و نودوستی صدها هزار تظاهرات کننده شهرهای متعدد روسیه، از چاره جویی این آدمها، از طنین فریادهای "دیگر بس است"؛ زرادخانه علیه مردم چین و سرکوب آنها را تقویت میکنند! در این وارونگی، در این جنون، تاوان سختی در انتظار کودک از همه جا بیخبر چینی نشسته است.

باید تعرض کرد: دو قطبی های تروریسم

دولتی و اسلام سیاسی، وحشت و ویرانی حاصل و محصول آنها، نباید مقدرات زندگی ما را شکل بدهد. این نباید قالب تلاشها و چاره جویی انسانها را برای دفاع از ساده ترین مفاهیم زندگی اش شکل دهد. منصور حکمت از یک نیروی سوم سخن بمیان آورد: دنیای متمدن: دنیای که برای دفاع از خود، حتی برای دفاع از امنیت کودکان در راه مدرسه، چاره ای بجز سنگربندی ندارد: دست مذهب کوتاه: انسانها برابرند: هرمت انسان در فرای تعلقات و تقسیمبندیهای مذهبی و ملی: برابری: آسایش: رفاه: امنیت و ... اینها سنگرهایست که همدردی ها را به یک نیروی واقعی و مثمرتر تبدیل کند.

ضدبشری دست زده اند. این واقعیت نشان میدهد که "مقاومت" اسلامی علیه "امپریالیسم" و اشغالگری آمریکا و متحدان آن، صرفا سکوی پرشی برای پیشبرد ارتجاع کثیف و

ضد بشری اسلام سیاسی است که زمینه آن با حمله آمریکا به عراق و اشغال و به خاک سیاه نشاندن آن جامعه فراهم شده است.

ممنوع شدن سمبل های مذهبی (از جمله حجاب اسلامی) در مدارس فرانسه، یک گام مهم پیشرفت سکولاریسم در جوامع اروپایی بویژه علیه اسلام سیاسی است.

این قانون از دیروز اول سپتامبر به اجرا گذاشته شد و تهدید تروریست های اسلامی در مورد قتل شهروندان فرانسوی نتوانست مانعی بر سر راه آن علم کند.

روز گذشته تروریست های اسلامی در عراق، یکجا دوازده گروگان نیالی را کشتند و ناظران این جنایت کم سابقه را در جهت تقویت تهدید قتل گروگانهای فرانسوی ارزیابی کردند. رفتار دولت فرانسه در برخورد به این آدمربایی هرچه باشد چنین جنایاتی قطعاً نخواهد توانست راه پیشروی سکولاریسم و عقب راندن اسلام سیاسی در اروپا را سد کند. بیداری بشریت متمدن و روشن شدن افکار عمومی در

مورد خطر اسلام سیاسی و تروریسم بعنوان اصلی ترین ابزار تحمیل ارتجاع کثیف اسلامی بر زندگی و امنیت انسانها در دنیای امروز، یک روند اجتماعی جدی است که طی سالهای اخیر و بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روز به روز نیرومندتر شده است.

هشدارهای ما کمونیست های کارگری طی دهه گذشته در مورد این خطر و همچنین در نقد لجنزار نسبیت فرهنگی ساخته غربی که محیط مساعدی برای رشد جریانات بشدت عقبمانده اسلامی در قلب جوامع پیشرفته فراهم کرده بود در سالهای اخیر بیشتر و بیشتر گوش شنوا پیدا کرد.

حمله آمریکا به عراق و تبدیل این کشور به صحنه سناریوی سیاه جولان جریانات اسلامی و قومی و عشیره ای، به گروههای تروریستی اسلامی مجال داده است که به بهانه ایستادگی در برابر نیروهای اشغالگر جان تازه ای بگیرند و سکوی جدیدی برای اجرای جنایات تروریستی خود علیه بشریت بدست

آورند. دنیای متمدن، نیروی انسانیت آزادیخواه و آگاه باید در برابر این دو قطب ارتجاعی که از فردای ۱۱ سپتامبر جهان را به میدان قلدری و بربریت و جنایت و ویرانگری خود بدل کردن اند با تمام توان بایستد. یک صف نیرومند جهانی با پرچم روشن مبارزه علیه قلدری آمریکا و متحدانش و فشار برای ناگزیر کردنشان به خروج از عراق و در عین حال مبارزه قاطع علیه اسلام سیاسی و کل تروریسم و فرهنگ ارتجاعی و کثیف آن، ضرورت پیشرفت آزادیخواهی بشریت در شرایط کنونی است. در این میان بویژه باید از سیر نوین پیشروی سکولاریسم در جوامع غربی جانانه دفاع کرد؛ عقب راندن مذهب و ارتجاع نسبیت فرهنگی و بخصوص عقب راندن اسلام سیاسی در این جوامع، و راندن فشارهای تروریسم و ارتجاع اسلامی از جمله وظایف بلاواسطه و نیروهای کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواه و سکولار است. پرچم این مبارزه جهانی، امروز در دست فعالین کمونیسم کارگری است.

اساس سوسیالیسم انسان است

بزودی منتشر میشود!

حکمت

نشریه اتئوریک - سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

منتشر میشود!

سازمانده کمونیست

سر دبیر: اسد گلچینی

پلنوم وسیع کمیته مرکزی

تشکیل میشود

ورود کادرها به پلنوم آزاد است

پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۱۷، ۱۸، و ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴ در لندن برگزار میشود. شرکت کادرهای حزب در این پلنوم، بعنوان ناظر آزاد است. با توجه به محدودیت سالن رفقای علاقمند باید ثبت نام کنند. لطفاً برای اطلاع بیشتر با ای میل hekmatist@ukonline.co.uk تماس بگیرید.

قابل توجه کادرها

انتخاب مشاورین کمیته مرکزی

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تصمیم گرفت تعداد ۴۰ نفر را از میان کادرهای حزب بعنوان عضو مشاور کمیته مرکزی انتخاب کند. برای تسهیل این کار کمیته مرکزی کمیسیونی متشکل از نسان نودینیان، امان کفا و خالدحاج محمدی انتخاب کرد و کمیسیون در اولین جلسه خود خالد حاج محمدی را بعنوان دبیر کمیسیون انتخاب کرد. کمیسیون لیست پیشنهادی خود از میان کاندیداهای مشاور کمیته مرکزی را به کمیته مرکزی ارائه میدهد و کمیته مرکزی ۴۰ نفر را از میان این لیست انتخاب خواهد کرد.

شرط کاندید شدن برای مشاور کمیته مرکزی کادر بودن است. از کلیه رفقای کادر حزب که میخواهند خود را کاندید کنند در خواست میشود حداکثر تا روز یکشنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۴ کاندیداتوری خود را طی نامه ای از طریق ای میل kumision_m@yahoo.com به خالد حاج محمدی اطلاع دهند.

رفقای کاندید لازم است در نامه خود کشور محل فعالیت خویش و مسئولیتها و عرصه‌های فعالیت و همچنین دلایل کاندید شدن خود را ذکر کنند. نامه‌هایی که پس از ۱۲ سپتامبر ارسال شوند در لیست پیشنهادی کمیسیون منظور نخواهند شد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ سپتامبر ۲۰۰۴

سایت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.hekmatist.com

بزودی منتشر میشود!

ایران تریبون

نشریه اینترنتی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

www.iran-tribune.com

منتشر شد!

جوانان حکمتیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

منتشر شد!

اکتبر

نشریه کمیته کردستان

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!